

ملاک سعادت و خوشبختی در زندگی

مقدمه

سعادت، این درّ ناب و این
کیمیای مورد جست و جوی
انسان، از جمله مفاهیم آشنا
در زندگی فردی و اجتماعی
است. به راستی، اگر از کسی،
عالم یا جاهل، دین دار یا
بی دین، سؤال شود که اساساً
در جست و جوی چه هستید
و رفتار و کردار خود را
بر اساس چه ملاک و محوری
تنظیم می کنید، در جواب
خواهد گفت: من در زندگی،
جویای سعادت و خوشبختی ام
و برای رسیدن به آن، از هیچ
تلاشی فروگذار نیستم.

معمولاً در خانواده ها، به ویژه
هنگام مشاجرات زوجین
درباره یک مسأله مورد
اختلاف، ممکن است
همواره این سخن در گوش
شما طنین انداز شود که «من
در زندگی خوشبخت
نیستم»، «دیگران از من
خوشبخت ترند»، «خوشا به
حال فلانی که زندگی
خوشبختی دارد» و ...
آیا تاکنون از خود
پرسیده اید سعادت و
خوشبختی چیست؟ راه
رسیدن به آن کدام است؟ اگر
پاسخ این دو پرسش را نیابیم،

تلاش ما در زندگی بی نتیجه
خواهد بود.
هر چند یافتن پاسخ این
دو سؤال، نیازمند پرداختن
به مباحث دقیق فلسفه
اخلاق است، لیکن به دور
از این گونه مباحث فنی و
در جای خود، پاسخ این هر
دو سؤال با مراجعه به
آیات و روایات بابیانی
روشن و ساده مطرح
خواهد گردید.
نگرش های گوناگون در
تفسیر خوشبختی و
سعادت
این که سعادت و خوشبختی

در زندگی چیست، نگرش‌ها و طرز تلقی‌های گوناگونی در جامعه برانگیخته است. اما اجمالاً می‌توان نگرش‌های متفاوت در این باب را در چند مقوله دسته‌بندی کرد:

الف - لذات (مادی)؛

ب - نفع و سود؛

ج - خوش‌بختی دیگران؛

د - پیروی از ندای وجدان؛

ه - پیروی از عقل آدمی؛

و - دیدگاه اسلام.

البته روشن است که جهان‌بینی افراد و نوع نگرش و طرز تلقی آن‌ها از جهان اطراف، دقیقاً در نوع تفسیری که آنان از سعادت و خوشبختی دارند، مؤثر است؛ زیرا گاهی فرد جهان‌هستی را منحصر در حیات مادی و زندگی این جهانی می‌داند. بنابراین، عرصه خوشبختی وی نیز منحصر در همین دنیای مادی و لذات زودگذر دنیایی خواهد بود. گاهی نیز دنیا را به زندگی زودگذر و مقدمه‌ای برای حیات ابدی و

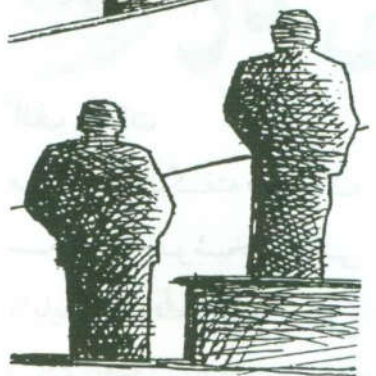
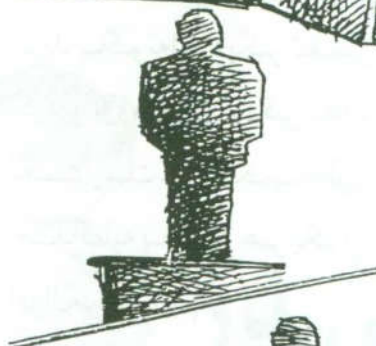
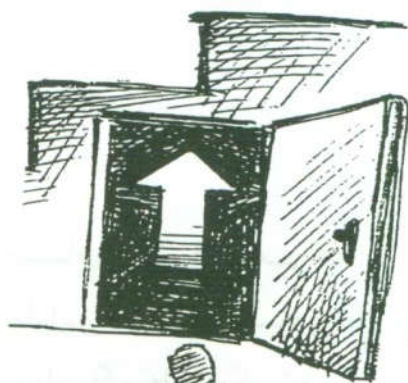
جاویدان تفسیر می‌کند. بنابراین، مفهوم خوشبختی را باید به گونه‌ای دیگر تفسیر کرد و از زوایای دیگر بدان نگریست. اینک به طور جداگانه به نقل هر یک از اقوال می‌پردازیم:

الف - لذات

ممکن است گفته شود که سعادت و خوشبختی آدمی را باید در لذات و البته از نوع مادی آن جست‌وجو نمود؛ چرا که انسان همانند دیگر هم‌نوعان خویش، بیش از همه، در پی لذات و شهوات است؛ از یک سو، جایی را به عنوان سکنی برمی‌گزیند و اعمالی انجام می‌دهد که از آن لذت بیش‌تر ببرد. از سوی دیگر، همواره از سختی و رنج‌گریزان است و عقل سلیم نیز حکم می‌کند که از رنج و مشقت در زندگی گریزان باشیم و زندگی خویش را به‌پوچی نگذرانیم.

یادآوری این نکته ضروری است که «لذت» مفهومی مشترک میان لذت گذرا و مادی و لذت پایدار اخروی است و سعادت نیز رابطه نزدیکی با لذت دارد. شهید مطهری رحمته الله در این زمینه، می‌فرماید: «گرچه سعادت با لذت ارتباط نزدیکی دارد، ولی سعادت به معنای لذت نیست. آن لذتی سعادت است که موجب رنجی بزرگ‌تر یا مانع از لذتی بزرگ‌تر نگردد. پس هر چند میان سعادت و لذت رابطه نزدیکی است، اما نمی‌توان سعادت را مرادف با لذت دانست.» (۱)

این‌که استاد شهید مطهری می‌فرماید: «سعادت با لذت یکی نیست»، قطعاً نظرشان لذات دنیایی و زودگذر است، نه لذات پایدار اخروی. شاهد این سخن، کلام دیگرانشان است که می‌گویند: بسیاری از لذت‌ها در عین این‌که لذت‌اند،



موجب پیدایش رنجی بزرگ تر یا مانع از لذتی بزرگ تر می گردند. (۲) و از آن جا که این لذات دنیوی همواره در تزاحم با یکدیگرند، پس نمی توانند با سعادت یکی باشند. و نیز چون هرگز لذات پایدار اخروی در تزاحم با یکدیگر قرار نمی گیرند، پس لذت پایدار اخروی عین سعادت و خوشبختی است.

استاد مصباح - دام ظلّه - نیز در این زمینه می فرمایند: «سعادت و لذت خیلی به هم نزدیک و قریب الافق هستند و عمده تفاوت آن دو در این است که لذت در موارد لحظه ای و کوتاه مدت نیز به کار می رود، ولی سعادت صرفاً در مورد لذت های پایدار یا نسبتاً پایدار کاربرد دارد... پس در سعادت، لذت پایدار نهفته است و اگر ممکن بود کسی در زندگی همیشه لذت ببرد او کاملاً سعادتمند بود.» (۳)

ب - نفع و سود

ممکن است گفته شود سعادت

در آینده، به نفع ما باشد و سود زیادی برای ما به ارمغان بیاورد. درین میان، آنچه سود بیش تری برای ما دارد، سعادت و خوشبختی ما را تأمین می کند.

بر این اساس، باید گفت نوع جهان بینی افراد در تفسیر سود بیش تر مؤثر است. اگر از این دریچه بنگریم که سود بیش تر یعنی سود اخروی و سعادت جاویدان آدمی، چنین عقیده ای درست است. هرگز سود بیش تر اقتصادی و زودگذر مقرون با سعادت و خوشبختی آدمیان نیست. البته ممکن است فرد به این ها به عنوان ابزار بنگرد و از دنیا برای استفاده و کمال و خوشبختی خویش بهره گیرد، اما همواره این دو ملازم یکدیگر نخواهد بود.

ج - سعادت و خوشبختی

دیگران

ممکن است سعادت و خوشبختی بشر، لذت آنی و نفع بیش تر او دانسته نشود و

و خوشبختی افراد در نفع و سود بیش تر آنان است، یعنی، هر چیزی که به ما سود برساند و در زندگی مادی نیاز ما را برطرف سازد، سعادت و خوشبختی ما را تأمین کرده است. پس ما باید با آینده نگری در پی انجام کارهایی باشیم که سود بیش تری به ما می رساند و همواره نباید از دریچه لذت بنگریم؛ زیرا چه بسا کارهایی که لذت آنی دارد، سعادت ما را تأمین نکند و از سوی دیگر، چه بسا کارهایی که رنج آنی دارند،



یادست کم، سعادت و خوشبختی آدمیان منحصر در این دو به حساب نیاید، بلکه ملاک را این بدانیم که سعادت و خوشبختی آدمی زمانی تأمین خواهد شد که دیگران نیز خوشبخت و سعادتمند باشند و اساساً محور سعادت، عواطف انسانی، خدمت به دیگران و سعادت و خوشبختی دیگران محسوب گردد و چنین در نظر آید که:

هَمَّتْ خورشید سوزان طلب

رنج خود و راحت یاران طلب

در پاسخ، باید گفت که

خدمت به خلق، برای تعالی

و رشد آنان اندیشیدن و

خوشبختی و سعادت آنان را

طلبیدن، چیزی جز عمل و پای بندی

به مصداق حدیث شریف نمی باشد

که: «مَنْ أَحْبَبَ وَلَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ

الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»؛ (۴) کسی

که صبح کند و به امور مسلمانان

رسیدگی نکند، اساساً مسلمان نیست.

د - پیروی از ندای وجدان

می توان گفت که سعادت و خوشبختی انسان در اطاعت و پیروی از وجدان است؛ زیرا در نهاد و سرشت آدمی، نیرویی فطری به نام «وجدان» وجود دارد. وجدان، قدرت تشخیص خوب و بد را دارد و افرادی که به وجدان پای بند باشند، پاداش و متخبطان از اوامر او سرزنش می شوند. بدین ترتیب، اگر ما در

زندگی از دستورات وجدان خویش پیروی کنیم - مثلاً،

گرسنه ای را سیر کنیم و یا

درمانده ای را پناه دهیم - به ما

پاداش خواهد داد. پاداش

وجدان، همان رضایت

اوست که موجب لذت و

شادی و احساس آرامش

درونی فرد است و آن قدر

این پاداش لذت بخش و

دل پذیر است که حتی فرد

حاضر است به ایثار و از خود

گذشتگی روی آورد و همه

هستی خود را در این راه

هدیه کند. این همان سعادت

و خوشبختی فرد است.

از سوی دیگر، کسی که به مخالفت با ندای وجدان خویش برخیزد و مرتکب کارهایی شود که وجدانش او را از ارتکاب آن نهی نموده، چنان دچار عذاب وجدان و سرزنش های درونی خواهد شد که درون خویش راجه نمی از سرزنش و ملامت خواهد یافت که تا آخر عمر شرمنده و پشیمان خواهد بود.

بنابراین، پیروی از ندای

وجدان به انسان آرامشی

می بخشد که چیزی جز سعادت

و خوشبختی او نیست.

ه - پیروی از عقل

ممکن است گفته شود که

سعادت و خوشبختی را نه در

پیروی از شهوات و لذات

مادی و نه به دست آوردن سود

و منفعت و نه تبعیت از عواطف

و احساسات انسانی، بلکه باید

آن را در پیروی از دستورات

عقل جست و جو کرد.

در پاسخ به این عقیده نیز

باید گفت که چنین کاری



مصدق قول معروف «كَلَّمَا حَكَمَ بِهِ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهِ الشَّرْعُ» (۵) است که پیروی از دستورات عقل، همانا پیروی از دستورات شرع مقدس می باشد و سعادت و خوشبختی انسان را نیز شرع تعیین فرموده است.

در پاسخ به سؤال دوم، که راه رسیدن به سعادت و خوشبختی کدام است، باید گفت که راه رسیدن به خوشبختی و سعادت در گرو تشخیص مصداق سعادت است؛ یعنی، هر کس متناسب با تشخیص سعادت، برای نیل بدان، در زندگی شیوه های مناسبی انتخاب می کند؛ مثلاً، اگر کسی ملاک سعادت و خوشبختی را در نفع طلبی بداند، رفتار خود را در زندگی با آن هماهنگ می کند و برای کسب سود هرچه بیش تر در زندگی تلاش می کند.

هم چنین اگر کسی سعادت و خوشبختی را در اطاعت از فرامین و عواطف پاک انسان دوستانه بداند، همواره در

تلاش خواهد بود تا در زندگی تابع احساسات و عواطف انسانی خویش باشد. اگر کسی نیز سعادت و خوشبختی خویش را در لذات مادی و یا اطاعت از اوامر عقل و یاندای وجدان بداند، البته ابزار متناسب با این نوع تفسیر از سعادت را انتخاب خواهد کرد.

دیدگاه اسلام

سؤال مهمی که ممکن است به ذهن هر کاوشگری خطور

کند این است که مکتب حیات بخش اسلام ملاک سعادت و خوشبختی را در چه چیزی معرفی می کند. مولی الموحّدين، حضرت علی (علیه السلام)، در حدیثی زیبا، انسان را چکیده آفرینش قلم داد می کند که در آن تمام قوا، عناصر و استعداد های مادی و معنوی نهفته است:

«أَتَرَعَمُ أَنْكَ جَرْمٌ صَغِيرٌ

و فیک انطوی العالمُ الاکبر»؛ ای انسان، می پنداری که

جسم کوچکی هستی، در حالی که تو خلاصهٔ جهانی بزرگ هستی؟

بنابراین، انسان زمانی درجات کمال و ترقی را طی خواهد کرد که همهٔ استعدادها و قوای او شکوفا شده و به فعلیت رسیده باشد؛ همان گونه که نیازمند پاسخ‌گویی و پیروی از ندای وجدان است، باید مطیع دستورات عقل خویش باشد و به نیازهای غریزی و طبیعی خویش پاسخی مقتضی بدهد.

از سوی دیگر، باید نیازهای مادی خویش را تأمین نموده و از لذت مادی و دنیایی نیز به اندازهٔ نیاز و قدر ضرورت بهره‌گیرد: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ» (مائده: ۴) امروز هر چه پاکیزه است بر شما حلال شده است.

و نیز می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم: ۲۰) و از نشانه‌های الهی

آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید تا در بر او آرامش یافته، با هم انسی بگیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار کرد. برای مردم با فکرت، در این، ادله و حکمت حق آشکار است.

از سوی دیگر، قرآن به گونه‌ای کاملاً حساب شده، حس سودجویی و نفع‌طلبی انسان را نیز مورد توجه قرار داده، می‌فرماید: «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» (بقره: ۱۷۵)؛ خداوند معامله و بیع را حلال نموده و از ربا و افزون‌طلبی در آن نهی فرموده است. هم‌چنین می‌فرماید: «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۱۳۹)؛ انسان جز پاداش سعی و تلاش خود بهره‌ای ندارد؛ یعنی، به میزان تلاشی که در این دنیا می‌کند، پاداش خواهد دید.

علاوه بر این، به‌کارگیری نیروی عقل نیز توصیه شده و رأی آن به عنوان معیار و میزان درستی و صحت کارها

مورد قبول واقع شده است. بنابراین، پیروی از عقل سلیم، همان پیروی از دستورات شرع مقدس است: «كُلَّمَا حَكَّمَ بِهَ الْعَقْلُ حَكَمَ بِهَ الشَّرْعُ وَ كُلَّمَا حَكَّمَ بِهَ الشَّرْعُ حَكَمَ بِهَ الْعَقْلُ»؛ حکم عقل همان حکم شرع، حکم شرع نیز همان حکم عقل است. بدین سان، پیروی از دستورات عقل را به منزلهٔ پیروی از دستورات شرع دانسته‌اند. نیروی عاطفه و انسان‌دوستی و پیروی از عواطف پاک انسان دوستانه را نیز تأیید نموده، چنین می‌فرماید: «وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَنْفُلَنَّ عَنْكَ الْكِبَرُ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» (اسراء: ۲۳)؛ خدای تو حکم فرموده که جز او کسی را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید و چنان که هر دو یا یکی از آن‌ها پیر و سال خورده شدند، زنهار از این که کلمه‌ای بگویید کهرنجیده خاطر شوند و

کمترین آزاری به آن‌ها نرسان و به ایشان با اکرام و احترام سخن بگو. درجای دیگر نیز می‌فرماید: «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ» (ضحی: ۵-۶)؛ پس هرگز یتیم را میازار و فقیر را از در خانه‌ات مران، (بلکه به احسان یا به زبان، او را خوش بنواز). و بالاخره، ندای وجدان را نیز مورد توجه قرار داده، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ» (فجر: ۲۸) ای نفس اطمینان یافته....

خلاصه و نتیجه

با توجه به آن‌چه گذشت، می‌توان مَلَک و معیار خوشبختی را در اسلام بر چند محور عمده مبتنی دانست که برخی از آن‌ها جنبه ابزاری و مقدمی دارند و خوشبخت و سعادتمند کسی است که در پی یافتن لذت و خوشی باشد و صدا البته که لذت و خوشی جاویدان و پایدار اخروی همواره بر لذت گذرا و موقت دنیوی

رجحان دارد. اما این نیز بدیهی است که بهره‌مندی از لذایذ دنیوی به قدر ضرورت و به عنوان ابزار و وسیله تقرب به خدا، فی‌نفسه، مطلوب است. نفع و سود طلبی نیز معقول است، اما در صورتی که با افقی بازتر بنگریم و سعادت و منفعت جاویدان را برتر از نفع و سود گذرا و موقتی دنیا ندانیم، بهره‌مندی از منافع دنیوی به قدر ضرورت و برای رسیدن به کمال و تنها به عنوان ابزار، مطلوب است.

در فکر خوشی و سعادت دیگران بودن و به مصالح و سعادت خلق اندیشیدن نیز عین کمال و سعادت است. و بالاخره، پاسخ به ندای فطرت خدادادی و خداجویی خویش و جلب رضایت وجدان و به مرحله آرامش درونی رسیدن و نیز پیروی از عقل سلیم خویش و غلبه بر شهوات حیوانی و سکّان خویش را به دست عقل سپردن،

عین صواب و موجب نیل به سعادت و خوشبختی است. در یک کلام، سعادتمندترین و خوشبخت‌ترین فرد کسی است که از همه این عوامل در راه رسیدن به کمال خویش بهره‌گیرد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱ و ۲- ر.ک. به: مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۷، ص ۵۳.
- ۳- ر.ک. به: محمد تقی مصباح، اخلاق در قرآن، ص ۱۹ و ۲۰.
- ۴- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۳۷.
- ۵- ر.ک. به: محمدرضا مظفر، اصول الفقه، ج ۱، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳، ص ۲۱۷.

